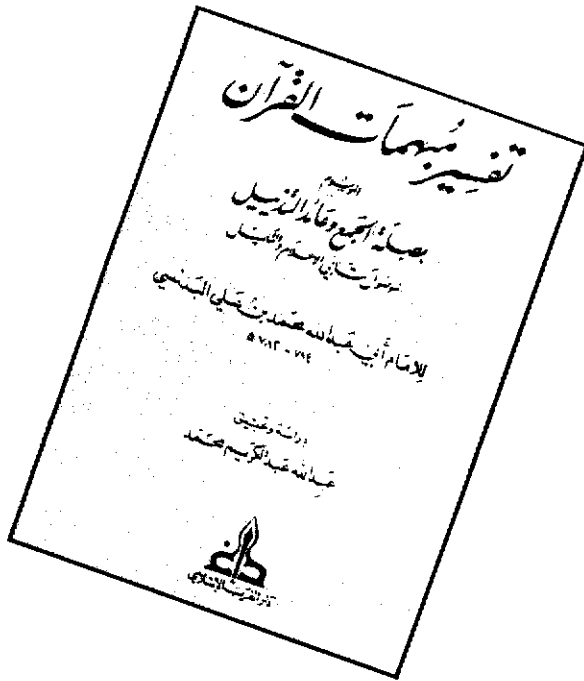


## بازخوانی کتاب

# «تفسیر مبهمات القرآن»

محسن رفیعی - معصومه شریفی



تفسیر مبهمات القرآن الموسوم بصلّة الجمع وعائد التذیل لموصول کتابی الاعلام والتکمیل. محمد بن علی البلنسی، دراسة وتحقیق: عبدالله عبدالکریم محمد، دارالغرب الاسلامی، ج ۲، ۱۶۶۱ + ۸۶۱ ص، وزیری.

به جهت سهولت در ورود به این بحث، بر آن شدیم تا در مقدمه ای کوتاه، به معنای لغوی و اصطلاحی واژه «مبهمات قرآن»، پیشینه مختصری از این دانش، و زندگی و ویژگی های نگارنده پردازیم.

### بررسی واژه «مبهم»

«مبهم»، اسم مفعول مشتق از «ابهام» (مصدر باب إفعال)، از ریشه (ب. ه. م)، به معنای «گنگ»، و «مشتبه» است؛ و به هر آنچه که نوعی از «نهفتگی»، «پنهانی»، و «خفا» در آن وجود داشته باشد «مبهم» گفته می شود.<sup>۱</sup>

۱. در این باره ر. ک: الخلیل بن أحمد الفراهیدی (ت ۱۷۵هـ)، ترتیب کتاب العین: ۱۹۹/۱. تحقیق: المخزومی (الدکتور)، مهدی؛ و السامرائی (الدکتور)، ابراهیم. انتشارات أسوه (التابعة لمنظمة الأوقاف والأموال الخیریة)، الطبعة الأولى: ۱۴۱۴ ق. ابن فارس القزوینی (۳۲۹-۳۹۵هـ) معجم مقاییس اللغة: ۳۱۱/۱. تحقیق وضبط: هارون، عبدالسلام محمد. دار الکتب العلمیة، قم؛ و مکتب الاعلام الاسلامی، قم ۱۴۰۴ ق. الراغب الإصفهانی (ت ۵۰۲هـ)، معجم مفردات ألفاظ القرآن: ۶۳.

«مبهمات قرآن»، از جمله مباحث «علوم قرآنی» است که دستیابی به آن در فهم قرآن، کارآمد و سودمند خواهد بود، و چه بسیار اختلاف های کلامی، فقهی و ... که با اهتمام به این دانش برطرف می گردد؛ و اتحاد و یکنواختی بیشتری در شناخت و عمل به «قرآن کریم» و «سنت شریف» به وجود خواهد آمد.

اما با کمال تأسف باید اظهار نمود که به رغم اهمیت این شاخه از علوم قرآن، کمتر به آن پرداخته شده است و تألیفات به عمل آمده در این زمینه بسیار اندک است، و با مطالعه آنها در می یابیم که اولاً: همه این تألیفات با دیدگاه «مکتب خلفا» نگاشته شده است، و کتاب مستقلاً از پیروان «مکتب اهل بیت» (ع) در دست نیست؛ ثانیاً: نخستین و بیشترین نگارندگان، از سرزمین «آندلس» هستند.

کامل ترین کتاب مستقل در زمینه «مبهمات قرآن» از آن ابو عبدالله محمد بن علی البلنسی (۷۱۴-۷۸۲هـ) است با نام «تفسیر مبهمات القرآن»، موسوم به «صلّة الجمع وعائد التذیل لموصول کتابی الإعلام والتکمیل».

این کتاب ارزشمند که ترجمه، نقد و بررسی آن موضوع رساله این جانب و همسر در مقطع کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث بوده است، بهانه ای شد تا مقاله ای در معرفی اش بنگاریم، و به طور اجمال به نقدش بنشینیم. شایان ذکر است که پیش تر در دو مقاله مجزاً با عناوین «مباحث پیرامونی دانش مبهمات قرآن» و «سیر تاریخی در نگارش تفسیر مبهمات قرآن» به بحث و بررسی پرداخته ایم.

کتاب های «التبیان لمبهمات القرآن» و «غرر التبیان فی من لم

تحقیق: مرعشلی، ندیم. دارالکتب العربی: ۱۳۹۲ ق/ ۱۹۷۲ م. ابن الأثیر (۵۴۴-۶۰۶ هـ). *النهاية في غريب الحديث والأثر*: ۱/ ۱۶۹. تحقیق: أحمد الزاوي، طاهر؛ ومحمد الطناحي، محمود. مؤسسة إسماعيليان، قم-ایران: ۱۳۶۷ ش. ابن منظور (۶۳۰-۷۱۱ هـ)، لسان العرب: ۱/ ۵۲۴. نسقه وعلّق عليه ووضع فهرسه: شیری، علی. دار إحياء التراث العربی، بیروت-لبنان. طبعه جدیدة محققة (الطبعة الأولى): ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م. الفیومی (ت ۷۷۰ هـ)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی: ۱/ ۶۴. مؤسسة دارالهیجرة. الطبعة الأولى: ۱۴۰۵ ق. الشرتونی اللبنانی، سعید الخوری. *أقرب الموارد فی فصح العربیة والشوارد*: ۱/ ۶۵. مکتبة لبنان. الطبعة الثانية: ۱۹۹۲ م. مصطفی، ابراهیم؛ والزیات، أحمد حسن؛ وعبد القادر، حامد، والتجار، محمد علی. *المعجم الوسیط*: ۱/ ۷۴. دارالدعوة، استانبول-ترکیه. الطبعة الثانية: ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۸۹ م. المصطفوی، حسن. *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*: ۱/ ۳۵۰. مؤسسة الطباعة والنشر وزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، طهران. الطبعة الأولى: ۱۴۱۶ ق.

۲. ر. ک: السهلی الخشمی أبو القاسم (۵۰۸-۵۸۱ هـ)، *التعريف والإعلام فيما أبهم من الأسماء والأعلام في القرآن الکریم*: ۱۶. تحقیق: مهنا، عبد الله. دارالکتب العلمیة، بیروت-لبنان. الطبعة الأولى: ۱۴۰۷ ق/ ۱۹۸۷ م. ابن جماعة الکنانی، بدرالدین (۶۳۹-۷۳۳ هـ)، *غرر التبیان فی من لم یسم فی القرآن*: ۳۸. دراسة وتحقیق: خلف (الدکتور)، عبدالجواد. دار قتیبة، دمشق و بیروت. الطبعة الأولى: ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م. البلسی، ابو عبد الله. محمد بن علی (۷۱۴-۷۸۲ هـ)، *تفسیر مبهمات القرآن الموسوم ب: صلة الجمع و عائد التلیل لموصول کتابی الإعلام والتکمیل*: ۱/ ۳۵. دراسة وتحقیق: الدكتور حنیف بن حسن القاسمی، و عبد الله عبد الکریم محمد. دار الغرب الإسلامي، بیروت-لبنان، الطبعة الأولى: ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م. السیوطی، عبد الرحمن أبوبکر جلال الدین (۸۴۹-۹۱۱ هـ)، *الإتقان فی علوم القرآن*: ۲/ ۴۶۲ و ۴۷۲. ترجمة: حاتری قزوینی، سید مهدی. مؤسسة انتشارات امیر کبیر، تهران. چاپ دوم: ۱۳۷۶ ش. السیوطی، *معترك الأقران فی إیحاز القرآن*: ۱/ ۳۶۸. ضبطه و صحّحه و کتب فهرسه: شمس الدین، أحمد. دار الکتب العلمیة، بیروت-لبنان. الطبعة الأولى: ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م. گفتنی است نخستین کسی که به تعریف «مبهمات» پرداخته «سهلی» است، و سایرین پس از او همین تعریف را که تعریف به مصداق است پی گرفته اند.

۳. نحل (۱۶): ۴۴.

۴. این کتاب با نام *غوامض الأسماء المبهمة والأحادیث المسندة فی القرآن* نیز چاپ شده است؛ و دکتر هیثم عیاش (محقق این کتاب) به این نکته تصریح کرده است. البته بجز این کتاب، کتابی دیگر با نام *الإيضاح والتبیان لما أبهم من تفسیر کتاب العین* به سهلی نسبت داده اند. در این باره ر. ک: *تفسیر مبهمات القرآن*: ۱/ ۴۵-۴۶.

۵. *التعريف والإعلام ...*: ۷-۸. ابن عسکر الغسانی، محمد بن علی بن خضر (۵۸۴-۶۳۶ هـ)، *التکمیل والإتمام لکتاب التعريف والإعلام*: ۱۷. تحقیق: مروءة، حسن إسماعیل. دارالفکر، دمشق-سوریه و دارالفکر المعاصر، بیروت-لبنان. الطبعة الأولى: ۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۷ م. *تفسیر مبهمات القرآن*: ۱/ ۴۱ و ۴۵. *مترك الأقران ...*: ۱/ ۳۶۶.

۶. ر. ک: *التکمیل والإتمام ...*: ۳۳-۳۶.

۷. از چگونگی کتابهای شامی و ابن فرتون اطلاعی در دست نیست. برای اطلاع بیشتر ر. ک: رفیعی، محسن. ترجمه، نقد و بررسی کتاب «تفسیر مبهمات القرآن»: ۵۹-۶۱.

این واژه، مشتقات و کاربردها و مصادیق متعددی در زبان عرب و قرآن دارد و به نظر می رسد همگی به همان معنای اصلی باز می گردد. در تعریف اصطلاحی «مبهمات قرآن» گفته اند:

هر لفظی که خدا در قرآن کریم با اسم عکمش از آن یاد نکرده است، خواه پیامبر باشد یا جانشین [پیامبر] یا جز آن، آدم باشد یا فرشته یا جن، شهر باشد یا ستاره یا درخت، یا حیوانی که دارای اسم عکمش است، یا عددی که معدودش مشخص نشده باشد، یا زمانی که روشن نشده باشد، یا مکانی که شناخته نشده باشد ... ۲.

پیشینه دانش «مبهمات قرآن»

به جرأت می توان گفت: سابقه اهتمام و پرداختن به «مبهمات قرآن»، و تبیین مصادیق آنها، به نخستین دوران نزول قرآن باز می گردد؛ و به استناد تصریح ابن آیه شریفه: «... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ...»<sup>۳</sup> و این قرآن را به سوی تو فرستادیم، تا برای مردم، آنچه را که به سوی ایشان نازل شده است، توضیح دهی، «...»، وجود شریف پیامبر اکرم (ص) اولین کسی است که به تبیین، تفسیر و ایهام زدایی از قرآن پرداخته است. سپس اهل بیت آن حضرت (ع)، صحابه و تابعین و دیگران تاکنون در حد توان خویش به تفسیر مبهمات قرآن پرداخته اند. گفتنی است تفسیر مبهمات و واژه های دشوار یاب قرآن در یکجا گرد نیامده بودند؛ بلکه سخنانی پراکنده در میان کتب تفسیر، حدیث، تاریخ و اسباب نزول بوده اند. تا اینکه قرن ششم هجری طلوع نمود و مرحله ای نو در پژوهش پیرامون «مبهمات قرآن» آغاز گردید و «سهلی» (۵۰۸-۵۸۱ هـ) کتاب ارزشمند «التعريف والإعلام فيما أبهم في القرآن من الأسماء والأعلام»<sup>۴</sup> را نگاشت. به گواهی عموم دانشمندان علوم قرآنی، نخستین کسی که در این باره به تألیف مستقل دست زده هموست<sup>۵</sup>. سپس «ابن عسکر» (۵۸۴-۶۳۶ هـ) کتاب «التکمیل و الإتمام لکتاب التعريف و الإعلام» را به عنوان حاشیه و تکمله ای بر کتاب «سهلی» نوشت؛ همچنان که خود او در مقدمه اش به این نکته اشاره کرده است<sup>۶</sup>. از آن پس زهری (۶۱۷ هـ...) کتاب «البيان فيما أبهم من الأسماء في القرآن»، و ابن فرتون (۶۶۰ هـ...) کتاب «الاستدراك على التعريف و الإعلام فيما أبهم في القرآن من الأسماء و الإعلام»، و أبو عبد الله الشامي (۶۷۱-۷۱۵ هـ) کتاب «الاستدراك على التعريف و الإعلام فيما أبهم في القرآن من الأسماء و الإعلام»<sup>۷</sup>، و «ابن جماعة» (۶۳۹-۷۳۳ هـ)

یسم فی القرآن<sup>۸</sup> را نگاشتند.

این سیر نگارش در «مبهمات قرآن» همچنان ادامه داشت تا اینکه «بلنسی» (۷۱۴-۷۸۲هـ) کتاب ارزشمند «صلة الجمع و عائد التذیل لموصول کتابی الإعلام والتکمیل» را در تکمیل و تسمیم کتاب های «سهیلی» و «ابن عسکر» نگاشت. دیگر نگارش ها از آن پس عبارتند از: «الإحکام لبيان ما في القرآن من الإبهام»<sup>۹</sup> به قلم: ابن حجر عسقلانی (۷۷۳-۸۵۲)، «مفحّمات الأقران في مبهمات القرآن»<sup>۱۰</sup> به قلم جلال الدین سیوطی (۸۴۹-۹۱۱هـ)، «تلخیص التعریف والإعلام فيما أبهم في القرآن من الأسماء الأعلام»<sup>۱۱</sup>، به قلم بحرق (۸۶۹-۹۳۰هـ)، «ترویج» (۱۱۰۴-۱۱۸۴هـ)، «الباقوت والمرجان في تفسير مبهمات القرآن»<sup>۱۲</sup> به قلم دکتر عبد الجواد خلف عبد الجواد (معاصر)، و کتابی دیگر با نام «أسامي الذين نزل فيهم القرآن»<sup>۱۳</sup> که توسط نویسنده ای ناشناس نوشته شده است. البته در برخی از منابع، به کتاب های دیگری که در این موضوع نگاشته شده اند، اشاره شده است، اما ما از چگونگی آنها اطلاعی کسب نکردیم؛ و چه بسا برخی از آنها به صورت نسخه خطی باقی مانده اند، و یا از بین رفته اند<sup>۱۵</sup>.

علاوه بر کتاب هایی که به طور مستقل به دانش «مبهمات قرآن» پرداخته اند- و تعداد کتب چاپی و نسخه های خطی به سختی از عدد بیست تجاوز می کند- کتاب های دیگری نیز وجود دارد که در لابلاي مباحث «علوم قرآنی» به این دانش همت گماشته اند که ما این تألیفات را «کتب غیر مستقل» نام می نهیم. از جمله آنها است أبو عبدالله زرکشی (۷۴۵-۷۹۴هـ) که در نوع ۴۷ از کتاب «البرهان في علوم القرآن»، و جلال الدین سیوطی در وجه ۳۳ از کتاب «معتزك الأقران في إعجاز القرآن»، و نوع ۷۰ از کتاب «الإتقان في علوم القرآن» به این دانش پرداخته اند<sup>۱۶</sup>.

نگاهی به زندگانی و ویژگی های «بلنسی»

محمد بن أبي الحسن علي بن أحمد بن محمد الأوسي<sup>۱۷</sup> البلسني<sup>۱۸</sup> ثم الغرناطي، أبو عبدالله، معروف به: «بلنسي»، نحوي، لغوي و مفسر قرن هشتم هجری است که در «غرناطه»- یکی از شهرهای اندلس- می زیسته است. مکان و سالروز ولادتش به دقت روشن نیست؛ اما شاگردش «محمد بن عبدالملک المنتوری» می گوید وی روز دوشنبه بیست و پنجم ذی حجه سال ۷۱۴ هجری متولد شده است. همه شرح حال نویسان، اتفاق نظر دارند که «بلنسی» به سال ۷۸۲ هجری وفات یافته است، و منتوری، وفات وی را شنبه پنجم ربیع الأول ۷۸۲ هجری دانسته است.

«شاطبی»، پدر «بلنسی» را این گونه توصیف می کند: «الفقيه الأجل الأکمل المقدّس ...». چنین وصفی، دلالت بر این دارد

۸. ابن جماعة، کتاب فرر الثبیان را چکیده ای از برای کتاب الثبیان قرار داده است. در این باره ر. ک: فرر الثبیان: ۱۹۱. نیز ر. ک: مقدمة التکمیل والإتمام: ۱۸.  
۹. برخی از شرح حال نویسان، این کتاب را به «ابن حجر» نسبت داده اند. و برخی نیز در نسبت چنین کتابی به وی تردید کرده اند. البته از چگونگی این کتاب اطلاعی در دست نیست. در این باره ر. ک: مقدمة التکمیل والإتمام ...: ۱۹.  
۱۰. سیوطی- همچنان که قوت قلم، و تکرار بسیاری از مطالب به قلم های مختلف در بسیاری از نگاشته هایش از خصوصیات بارز اوست- خلاصه مباحث مبهمات قرآن از «مفحّمات الأقران» در معتزك الأقران بارز اوست- خلاصه مباحث مبهمات قرآن را الإتقان في علوم القرآن آورده است. در این باره ر. ک: رفیعی، محسن. ترجمه، نقد و بررسی کتاب «تفسیر مبهمات القرآن»: ص ۶۵-۶۶ و ۷۵-۷۶ (رسالة کارشناسی ارشد).  
۱۱. این کتاب- همچنان که از نامش هویدا است- چکیده التعریف والإعلام از «سهیلی» است.

۱۲. این کتاب چکیده کتاب های «سهیلی»، «ابن عسکر»، و «بلنسی» است. نگارنده، تفسیر خیلی از آیات مبهم را به اختصار آورده، و چه بسیار از آنها را حذف کرده است؛ اما مجموعه خوبی جهت مقایسه نظرات تفسیری این سه کتاب می باشد.  
۱۳. جلد نخست این کتاب به سال ۱۹۸۴ م. در هند به چاپ رسیده است. در این باره ر. ک: التکمیل والإتمام ...: ۲۰ و تفسیر مبهمات القرآن: ۵۵/۱.  
۱۴. محقق کتاب تفسیر مبهمات القرآن در مقدمه اش: ۵۳/۱-۵۴ اظهار می دارد که در سال ۱۴۰۶هـ به نسخه خطی کتاب یاد شده در کتابخانه سلیمانیة استانبول دست یافته و نویسنده اش را نامشخص یافته است؛ وی این نسخه را به طور مشروح توصیف کرده است.  
۱۵. درباره چگونگی این موضوع ر. ک: ادیب بهروز، محسن بیئات: سال پنجم، ش ۲۰، ص ۱۵۵، نیز ر. ک: ترجمه، نقد و بررسی کتاب تفسیر مبهمات القرآن: ۷۳.

۱۶. در این باره ر. ک: الزرکشی (ت ۷۹۴هـ)، البرهان في علوم القرآن: ۲۰۱/۱ - ۲۱۱. خرج حدیثه و قدّم له و علّق علیه: عبد القادر عطا، مصطفی. دار الکتب العلمیة، بیروت- لبنان، الطبعة الأولى: ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م. و معتزك الأقران ...: ۳۶۶/۱-۳۸۴، والإتقان ...: ۴۵۹/۱-۴۷۸.  
۱۷. «أوسی»، منسوب به «أوس»- قبیله ای از انصار از قحطان- است.  
۱۸. «بلنسی»، منسوب به «بلنسیه»- شهری مشهور در مشرق اندلس و نزدیک قرطبه- است، که اصل وی از آنجاست.  
محقق کتاب ترویج أولی الدعائه... این واژه را «بلنسی» می داند، و در جای جای کتاب به همین شیوه نوشته است. در باورقی نخست از صفحه ۷۲ همین کتاب می نویسد: «في الأصل مطموس، والصحيح: البلسني»، كما أثبتته من أصل البلسني ۱۲/ب. اما «عادل نوبهض» در معجم المفسرين: ۵۸۲/۲ و ۹۰۸ اینگونه نوشته است: «البلسني».

بر انگیز و آهنگین نگاشته است - این گونه آغاز نموده است :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

قال عبد الله السالك سبيل الإهداء آياته، المستنير بواضح آياته،  
محمد بن علي بن أحمد الأوسي، الشهير بالبلنسي، كتبه الله فيمن  
ذكره عنده، فلم يكن من رحمته بالمنسي، بمنه وكرمه.

و پس از حمد و ستایش خداوند متعال، و درود و سلام بر پیامبر اکرم (ص) و خاندان و اصحاب بزرگوارش، پرداختن به قرآن را از شریف ترین کارها و مایه سعادت‌مندی می‌داند و - همچنان که در بررسی متن کتاب خواهیم آورد - در جای جای مقدمه اش، به انگیزه تألیف این کتاب اشاره می‌کند. وی درباره چگونگی آشنایی اش با کتاب های «سهیلی» و «ابن عسکر» می‌گوید: برای پژوهش درباره آیاتی از قرآن، به مبهمات قرآنی اندیشیدم؛ و چون در این باره به جستجو پرداختم، به کتاب ابوزید السهیلی با عنوان «التعريف والإعلام فيما أبهم في القرآن من الأسماء الأعلام» دست یافتم؛ و پس از آن به کتاب «التكميل والإتمام لكتاب التعريف والإعلام»، اثر ابوعبدالله محمد بن علی بن خضر بن عسکر - که استدر اکی است بر کتاب پیشین - دست یافتم.

سپس این دو کتاب را چنین توصیف می‌کند: «با تأمل در کتاب های یاد شده، آن دو را چنان یافتم که مؤلفان به اهداف والا دست یافته، و در ابداع و استوارسازی آرا و محتوای آثارشان کوشیده‌اند، و در تدوین و سامان دهی، کسی بر آنان پیشی نگرفته است».

همو می‌گوید: «برای سخن هر کس، علامتی نهادم تا آراء، اندیشه‌ها و آثار هر یک از دیگری باز شناخته شود».

به همین جهت، علامت «سه» را برای «سهیلی»، و علامت «عس» را برای «ابن عسکر» قرار داده است؛ سپس ادامه می‌دهد: و برای آنچه به عنوان مکمل و پی نوشت بر آن دو کتاب افزوده‌ام، و متممی که با تصفیه و به‌گزینی همراه نموده‌ام، علامت (سی) را قرار داده‌ام تا بیانگر ملحقاتی باشد که پیرامون آن بحث و بررسی کرده‌ام؛ و آنجا که از افرادی

که پدرش در درجه خوبی از دانش قرار داشته است. «بلنسی» در محضر تعدادی از دانشمندان عصر خویش به کسب دانش پرداخت. وی یکی از دانش پژوهان برجسته بود، و در مجالس علمی که در مسجد جامع غرناطه تشکیل می‌شد، شرکت می‌جست. پس از استادش «خولانی» بر کرسی استادی در «مدرسه نصریه» - مشهورترین مدرسه در مغرب و اندلس - تکیه زد و شاگردان فراوانی تربیت نمود. وی را «استاد» لقب داده بودند، و این لقبی بود که در اندلس به کسی اطلاق نمی‌شد؛ مگر اینکه به درجه بالایی از علم لغت و نحو رسیده باشد. وی مفسری بارز و فقیهی برجسته و نحوی توانمند در میان هم عصرانش بوده است. «ابن خطیب غرناطی» - که معاصر بلنسی است - وی را این گونه می‌ستاید:

دانش پژوهی گشاده روی و خوش برخورد، پاکدامن، حریص در علم و جوینده آن، بلند پایه در دانش عربی و بیان، قدرت زیاد در یادآوری مسائل و حافظه بالا، و تدریس و تقریر نیکو ...

دانشمندان دیگر همچون «شاطبی»، «متوری»، «ابن حجر»، و «تبتکئی» وی را در حد اعلی ستوده‌اند.

با بررسی کتاب هایی که به شرح حال «بلنسی» پرداخته‌اند، درمی‌یابیم که وی را تألیفات بسیار نبوده است. از جمله نگاشته‌های اوست:

۱. «تفسیر مبهمات القرآن» موسوم به «صلة الجمع و عائد التذیل لموصول کتابی الإعلام و التکمیل».
۲. «تفسیر القرآن» که آن را پر حجم دانسته‌اند<sup>۱۹</sup>.

### سیری در کتاب «تفسیر مبهمات القرآن»

در پی مقدمه‌ای که گذشت، اکنون جای آن است تا به معرفی کتاب مورد بحث بپردازیم. از آنجا که مقدمه «بلنسی» حاوی معانی بالا و اطلاعات سودمند است، ابتدا گزارش گونه‌ای از مقدمه اش را به دست می‌دهیم؛ سپس به بررسی و نقد گذرای متن کتاب، و آنگاه گزارشی از کار محققین خواهیم پرداخت.

#### ۱. گزارشی از مقدمه «بلنسی»

بلنسی، مقدمه کتابش را - که با قلمی بس شیوا، اعجاب

۱۹. درباره شرح حال او ر. ک: سیوطی، طبقات المفسرین، ۲/۲۱۱، راجع النسخة و ضبط أعلامها: لجنة من العلماء بإشراف الناشر. دارالکتب العلمیة، بیروت - لبنان. و تفسیر مبهمات القرآن: ۱۱/۱ - ۳۳. نیز ر. ک: نوبهض، عادل. معجم المفسرین (من صدر الإسلام حتى العصر الحاضر): ۵۸۸/۲. مؤسسة نوبهض الثقافیة. الطبعة الثانية: ۱۴۰۹ ق. ۱۹۸۸/م، و منابعی که معرفی کرده است: بغیة الوهاة: ۱۹۸/۱؛ الدرر الكامنة: ۲۰۷/۲؛ نیل الإتهاج: ۲۰۷؛ کشف الطنون: ۴۲۱ و ۴۵۲؛ اللیل: ۳۷۷/۲؛ معجم المؤلفین: ۳۰۵/۱ و ۴۶/۱۱.

دیگر نیز به صورت مکرر نام برده ام، علامت هایی دیگر به قرار زیر آورده ام: علامت «عط» برای «ابن عطیه»، و علامت «مخ» برای زمخشری.

بلنسی می گوید: «چه بسیار از مطالب این دو کتاب را که وانهاده ام؛ و در عین حال، فواید ارزشمندی از آنها را بر گرفته ام، و همه اینها را به خاطر پرهیز از زیاده گویی و رعایت ایجاز و اختصار انجام داده ام».

آنگاه در توجیه زیاده و پراکنده گویی هایش این گونه اظهار می دارد: «و به مطالبی اشاره کرده ام که جزء شرط ما- یعنی روشن کردن مبهمات قرآن- نیست، و صرفاً به جهت گسترش و تکمیل مباحث، و ارایه موصولات آنها به همراه صلّه و عایدشان، از جمله فواید لغوی، و عقاید دینی و شرعی است».

وی با تواضع هر چه تمام اظهار می دارد:

برای افرادی همچون من، شایسته تر آن است که اقدام به چنین کاری نکنند؛ زیرا هر آنکه قدرتمند را با ضعیف، و دریای بی کران را با رودخانه محدود، و ستاره کم نور را با ماه کامل، و سنگ ریزه را با مروارید، تفاوتی ننهد، خردمند نیست. هر کس در این مسیر، بیش از توان و ظرفیت خویش را طلب نماید، رسوا شود؛ و هر که حقارت نفس خویش را دریابد، حق بر او روشن شود. پس به ناچار، با ذهنی در مانده و فکری وامانده، و در پی بهره گیری از روشنایی ها، و شکوفه چینی از بوستان آن دو کتاب، خود را در این مسیر به زحمت انداختم، و آنچه را که از کلام آن دو اندیشمند آورده ام، گواهی است بر سابقه این مطالب در کتابشان.

و با فروتنی هر چه تمام تر ادامه می دهد: «چیزی جز نظم و ترتیب و تربیت و تغییر شکل در مطالب انجام نداده ام».

و با روحی والا می گوید: «هر آنچه از سستی- که با هدف این مجموعه در تضاد است- را مشاهده کردید، و یا به مطلبی- که تجدید نظر و بازگشت از آن لازم آید- برخوردید، شایسته است آن را مورد توجه قرار دهید، و به قصد ثواب، اصلاحش نمایید؛ و همه غلط ها و دگرگونی ها را به من نسبت بدهید، چرا که کوتاهی ها از جانب من است»<sup>۲۰</sup>.

## ۲. بررسی متن کتاب

### الف. انگیزه بلنسی از تألیف کتاب

نویسنده در مقدمه ای- که از آن سخن رفت- درباره انگیزه خود از نگارش کتاب، سخن گفته است، که به طور خلاصه عبارت است از:

۱- اهتمام بلنسی از کودکی به پژوهش در اسرار قرآن؛ همچنان که خود می گوید: «از آن هنگام که به رشد رسیده ام، همواره در اقیانوس بی کرانش به غواصی پرداخته ام.

۲. اهمیت پرداختن به مبهمات قرآن؛ چنان که می گوید: «هنگامی که ادیبان، به آموزش و فراگیری در زمینه مبهمات اسامی شعرا می پردازند، و در بیان طبقات و اخبار آنان برای پادشاهان به مبالغه دست می یازند، صد البته قاریان قرآن در پرداختن به مبهمات آن، شایسته ترند، و در پرداختن به سیره و سنت نیکوکاران، بایسته تر.»

۳. پیروی از دانشمندان پیشین، و سعی و تلاش در نهادن پای جای پای کسانی که در این موضوع به تألیف پرداخته اند.

۴. تکمیل و تنظیم هر آنچه «سهیلی» و «ابن عسکر» پیرامون مبهمات قرآن انجام نداده اند.

### ب. روش بلنسی

#### یک. شیوه تنظیم

نویسنده، کتاب را بر اساس ترتیب سوره و آیات، سامان داده است، و در بحث از مبهمات، ابتدا نظر «سهیلی»، و در پی آن، نظر «ابن عسکر» را با علامت اختصاری می آورد؛ سپس آن دسته از آیات مبهم را که آن دو نیاورده اند، بیان می کند. ولی در بیان آنها از روش یکسانی پیروی نمی کند؛ گاهی فقط به ارایه سخن آن دو اکتفا می کند، و گاهی بدون هیچ گونه ترجیحی، سخنان دیگری بر آنها می افزاید، و گاهی عبارت های مبهم آنان را شرح می دهد، و در صورت نیاز، به نقد می کشد یا رد می کند<sup>۲۱</sup>.

بنا به پژوهشی که نگارنده انجام داده است، آنچه «بلنسی» در جلد اول به کلام «سهیلی» و «ابن عسکر» افزوده، به ۱۰۷ مورد می رسد. مواردی را هم که به تنهایی بیان کرده، نیز در همان جلد اول به ۵۷ مورد می رسد<sup>۲۲</sup>. بلنسی، تفسیر مبهمات را با برخی از فواید همراه می سازد که به هدف کتاب ارتباط ندارد. وی فواید لغوی و نحوی و عقیدتی و فقهی را در برخی از مواقع از اندازه

۲۰. مشروح مقدمه مؤلف را در: تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۹۹-۱۰۳ بنگرید.

۲۱. در این باره و چگونگی اش. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن، ۱/۱۴۱-۱۴۲ و ۲۵۹ و ۳۰۲ و ۲۱۵ و ۲۵۱ و ...

۲۲. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۱/۵۶-۵۷ و ۶۵.

**دو. منابع با موضوعات خاص**

موضوعات این منابع خاص عبارتند از: کتب عقیدتی، تفسیر و علوم تفسیر، حدیث و علوم حدیث، لغت و نحو و بلاغت و آداب، سیره و تاریخ و تراجم.

**سه. منابع با موضوعات عام**

برخی دیگر از منابعی که بلنسی استفاده کرده، شامل کتب در موضوعات مختلف و عام است.<sup>۲۷</sup>

**د. برجستگی‌ها و ارزش علمی کتاب**

یک. جامعیت: نخستین ویژگی و ارزش والاّی کتاب، جامعیت آن است؛ بدین گونه که کتاب «بلنسی» دربرگیرنده دو کتاب «التعریف والإعلام» از «سهیلی» و «التکمیل والإتمام» از «ابن عسکر» است. مطالب نو، متنوع و گرانسنگی که بلنسی به آن دو کتاب افزوده، بر ارزش کتابش افزوده است.

دو. توجه به مسایل اعتقادی: توجه و اهتمام به مسایل اعتقادی - خصوصاً مسایل مربوط به عصمت ملائکه و انبیاء(ع) - نیز ارزش علمی این کتاب را افزون نموده است. مؤلف سعی در حمایت از مقام آنان، و زدودن شبهه‌هایی دارد که با عصمت آنان در تناقض است. پیرامون آیه‌ای که مغرضان در آن به ایجاد تردید پرداخته‌اند، به ارایه دلیل روشن، و استدلال قاطع می‌پردازد. به مَثَل، بلنسی پیرامون «الْمَلَكَيْنِ» در این سخن خداوند: ... وَ مَا أَنْزَلَ عَلَي الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَ مَارُوتَ ...<sup>۲۸</sup> و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، ...<sup>۲۹</sup> به مناقشه با نظریه‌های ارایه شده از سوی برخی کژاندیشان پرداخته است.

سه. پی‌گیری برخی از روایات ضعیف: وی در پی روشن کردن و اثبات عدم توانایی در ارایه استدلال بر اساس روایات ضعیف و ارایه نظریه درست بر مبنای روایات صحیح است. به مَثَل، بحثی را پیرامون «رمضان» به میان کشیده، و این گونه روایتی را از «مجاهد» مطرح کرده است:

مجاهد إكراه داشت که بگوید: «رمضان را روزه گرفتیم»،

۲۳. ر. ک: همان، ۵۸/۱-۵۹.

۲۴. محقق این کتاب به برخی از کتب و شرح حال‌ها دست نیافته است. در این باره ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۶۱/۱.

۲۵. به مَثَل: کتاب روضة التحقيق را نام برده، امّا به مؤلفش اشاره نکرده است. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۶۱/۱.

۲۶. به مَثَل: از استادش «خولانی» مطلبی را بیان کرده است. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۱۴۲/۱.

۲۷. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۶۰/۱-۶۵.

۲۸. بقره (۲): ۱۰۲.

۲۹. تفسیر مبهمات القرآن: ۱۷۱/۱.

می‌گذراند، و هر چند ارایه این نکات سودمند و اطلاعات عمومی در جای خودش نیکوست، ولی وقتی بدون رعایت مقتضای حال، و با استطراد بیان شود، خواننده را به خستگی می‌کشانند.

**دو. روش تفسیر مبهمات قرآن**

«بلنسی» در تفسیر مبهمات قرآن، همچون «سهیلی» و «ابن عسکر» عمل می‌کند؛ یعنی ابتدا از خود قرآن بهره می‌گیرد. با این توضیح که پس از مطرح کردن آیه مبهم، چنان‌که آیه یا آیاتی در تفسیر و شرح آن آیه یافت، از آن استفاده می‌کند؛ و گرنه به حدیث رسول خدا(ص) برای کشف مبهم روی می‌آورد. وی به فراوانی از روایات استفاده می‌کند. در این مورد، به «سهیلی» شبیه‌تر است تا به «ابن عسکر».

در صورتی که نتواند مبهم را با قرآن یا حدیث و سنت پیامبر اکرم(ص) کشف نماید، دست به دامان سخنان صحابه و سپس تابعین می‌شود. او از ابن عباس، امام علی(ع)، ابن مسعود، و جز آنان به عنوان صحابه به نقل حدیث پرداخته است، و تابعینی که از آنان حدیث نقل کرده، عبارتند از: عکرمة، مجاهد بن جبر، حسن بصری، وهب بن مثنبه، قتاده، و ...<sup>۲۳</sup>

**ج. منابع و مآخذ بلنسی**

بلنسی به کتاب‌های زیادی مراجعه کرده است و در بیشتر موارد به نام مؤلف و کتابش اشاره می‌کند. گاهی نیز مطالبی را نقل می‌کند، ولی به کتابی که از آن نقل کرده اشاره نمی‌کند؛ بلکه به نام صاحب کتاب اکتفا می‌کند.<sup>۲۴</sup> نیز گاهی به کتاب‌هایی اشاره می‌کند، امّا به نام نویسندگانشان اشاره نمی‌کند.<sup>۲۵</sup> گاهی به برخی از مطالبی که به صورت شفاهی از اساتیدش شنیده است، اشاره می‌کند.<sup>۲۶</sup>

با توجه به آنچه بیان شد، این منابع و مآخذ را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

**یک. منابع ویژه**

همچنان‌که پیش از این بیان شد، مبنای کار مؤلف، بر اساس کتاب‌های «التعریف والإعلام» از «سهیلی» و «التکمیل والإتمام» از «ابن عسکر» است. نیز از دو کتاب دیگر بارها و بارها بهره برده و مطالب فراوانی نقل کرده است که عبارتند از: «الکشاف عن حقائق التنزیل» از «زمخشری» (۴۶۷-۵۳۸هـ)، و «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز» از ابن عطیة. (۴۸۱-۵۴۲هـ)



بدون اینکه نام «ماه» را ببرد؛

آنگاه مؤلف اظهار می‌دارد:

برخی در این مورد به روایتی که به ابن عباس نسبت داده می‌شود، این گونه دلیل آورده‌اند که «رمضان» نامی از نام‌های خداوند متعال است؛ به همین دلیل به «ماه» اضافه شده است. و در پایان می‌گوید: «این روایت قابل اثبات نیست»<sup>۳۰</sup>.

هـ. کاستی‌ها و نارسایی‌ها

افزون بر محاسن فراوانی که در کتاب بلنسی وجود دارد، برخی ضعف‌ها و نارسایی‌ها نیز بر آن وارد است؛ اما باید تأکید و تصریح نمود که وزنه ارزش علمی و برجستگی‌های این کتاب، از ضعف‌هایش بسی سنگین‌تر است. اکنون پردازیم به کاستی‌ها و نارسایی‌ها:

۱. عدم إرجاع به مصادر اصلی: گاهی مؤلف، احادیث و سخنانی را ارایه می‌دهد، ولی به مصادر اصلی إرجاع نمی‌دهد؛ و به انتساب به تفاسیر و کتب متأخرین اکتفا می‌کند. به مثل، در تفسیر این سخن خداوند: ... وَحَلَالِكُلِّ اٰبْنَاءِكُمْ الَّذِيْنَ مِنْ اَصْلَابِكُمْ...<sup>۳۱</sup>؛ «و زنان پسرانان که از پشت خودتان هستند، ...» از «عطاء بن ابي رباح» نقل می‌کند که:

این آیه درباره پیامبر - (ص) - نازل شده، آنگاه که پس از جدا شدن «زینب بنت جحش» از «زید بن حارثه»، با وی ازدواج نمود. مشرکان گفتند: او با زن پسرش ازدواج کرده است؛ پس این آیه نازل شده تا پسرانی را که از پشت خود افراد هستند، تخصیص نماید.

مؤلف این مطلب را به «ابن عطیه» و «زمخشری» نسبت داده<sup>۳۲</sup>، در صورتی که «طبری» آن را به نقل از «عطاء» در تفسیرش آورده است<sup>۳۳</sup>.

۲. عدم اشاره به مصدر برخی از سخنان: وی گاهی سخنانی را به طور کامل نقل می‌کند، بدون اینکه به مصدرش اشاره نماید؛ در صورتی که بیشتر این مطالب - غالباً از «المحرر الوجیز» ابن عطیه، و «الکشاف» زمخشری است.

به مثل، آنچه درباره این سخن خداوند: ... وَ اِذَا لَقُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ... «...» [و همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، ...» آورده، به همین گونه است<sup>۳۵</sup>.

۳. استطراد، و سخن راندن طولانی و خسته کننده پیرامون برخی مسایل: در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

استطراد در بحث پیرامون نام‌های سوره «فاتحه»، و پرداختن به مباحث صرفی و نحوی<sup>۳۶</sup>.

استطراد در بحث پیرامون «آدم» و «ابلیس»، و پرداختن به مباحث لغوی<sup>۳۷</sup>.

استطراد در بحث پیرامون «شراب»، و ارایه نام‌ها و صفات آن. مؤلف ضمن بیان تعداد ۴۱ نام از نام‌های شراب به نقل از «ابن عربی»، و افزودن ۱۲ مورد دیگر به نقل از «ابن سکیت»، و نیز افزودن ۲۴ مورد دیگر به نقل از «ابن رقیق»، به تعریف و شرح‌های خسته کننده و ارایه شواهدی از شعر عرب درباره ۷۸ مورد از نام‌های شراب پرداخته است<sup>۳۸</sup>.

۴. بهره‌گیری از اسرائیلیات و اخبار موهوم و غریب، و استفاده از کتب غیر معتبر: بهره‌گیری از اسرائیلیات، و اخبار موهوم و غریب، و استفاده از کتب غیر معتبر، از جمله دیگر اشکال‌های وارد بر «بلنسی» است. وی گاهی سخنانی را ارایه می‌دهد که به جز در کتاب «ثعلبی» (عرائس المجالس) یافت نمی‌شود. گفتنی است این کتاب، انباشته از اسرائیلیات و اخبار موهوم و غریب است<sup>۳۹</sup>.

۵. عدم ارایه همه «مبهمات قرآن»: «سهیلی»، «ابن عسکر»، و بلنسی، هر کدام به پاره‌ای از مبهمات قرآن پرداخته‌اند؛ و چه بسا مبهماتی را «سهیلی» بررسی کرده، اما «ابن عسکر» و «بلنسی» از بررسی آن غافل گشته‌اند، و چه بسا مبهماتی را که «ابن عسکر» مطرح کرده است، اما «سهیلی» و «بلنسی» مطرح نکرده‌اند، و همین گونه است حال «بلنسی» نسبت به آن دو. اما آیاتی نیز یافت می‌شود که هر سه نفر، مبهماتش را فرو هشته‌اند.

برخی خطاهای صوری و شکلی نیز در متن کتاب به چشم می‌خورد که به نظر می‌رسد بیشتر آنها به کار محققان از جهت «تایپ» و «تصحیف» مربوط می‌شود؛ که جهت رعایت اختصار از آوردن آنها خودداری می‌شود.

### ۳. گزارشی از کار محققین

کتاب مورد بحث، در دو جلد به چاپ رسیده است: جلد نخست آن را آقای دکتر «حنیف بن حسن القاسمی»، و جلد دوم را آقای «عبدالله عبدالکریم محمد» بررسی و تحقیق کرده‌اند. ابتدا نگاهی

۳۰. همان، ۱/۱۹۴.

۳۱. نساء (۴): ۲۳.

۳۲. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۱/۳۲۲. مانند این مثال را ر. ک: همین کتاب: ۱/۳۶۰.

۳۳. الطبری أبو جعفر (ت ۲۱۰هـ)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن: ۸/۱۴۹. دارالفکر، بیروت - لبنان ۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م.

۳۴. بقره (۲): ۷۶.

۳۵. ر. ک: تفسیر مبهمات القرآن: ۱/۳۶۰.

۳۶. ر. ک: همان، ۱/۱۱۰-۱۲۰ (ذیل تفسیر آیه ۷ فاتحه).

۳۷. ر. ک: همان، ۱/۱۲۷-۱۴۳ (ذیل تفسیر آیه ۴۳ بقره).

۳۸. ر. ک: همان، ۱/۲۱۹-۲۳۹ (ذیل تفسیر آیه ۲۱۹ بقره).

۳۹. ر. ک: همان، ۱/۶۹.

۴. روش تحقیق. مهم ترین کارهایی که به هنگام تحقیق انجام داده، به شرح زیر است:

الف. نوشتن شماره آیات مبهم - که بلنسی مطرح کرده است - در داخل گروه و سمت راست آیات. و آیاتی را که به عنوان استشهاد در میان مباحث آمده، با ذکر سوره و شماره آیه در پاورقی آورده است.

ب. تعیین حرکات آیه ها بر مبنای قرآن، و ضبط و حرکت نگاری هر آنچه فهمش نیاز به تعیین حرکات دارد.

ج. استخراج روایات از منابع اصلی شان؛ و در صورتی که منابع حدیثی را نیافته، به منابع تفسیری کهن، ارجاع داده است.

د. استخراج بسیاری از سخنان دانشمندان از منابع اصلی شان؛ چه این منابع به چاپ رسیده باشد و یا نسخه خطی باشد.

هـ. شرح واژه های دشوار یاب، با رجوع به کتب لغت معتبر.

و. معرفی و توضیح اعلام و اماکن.

ز. استخراج شواهد ادبی، شامل شعر و نثر و مثل، با مراجعه به دو آیین شعر و کتب ادبیات.

ح. تعلیق بر بسیاری از اخبار و روایات «غریب» که مؤلف بدون تعلیق آورده است.

ط. تهیه فهرست های سودمند و کار آمد، برای سهولت رجوع به مباحث کتاب؛ این فهرست ها عبارتند از:

آیات قرآن، احادیث، شواهد شعری، اعلام، جمعیت ها و قبایل و فرقه ها، اماکن، مفردات لغات، مصادر و مراجع و موضوعات.

شایان ذکر است که هر دو جلد از کتاب «تفسیر مبهمات القرآن»، برای نخستین بار به سال ۱۴۱۱ ق/ ۱۹۹۱ م. توسط «دارالغرب الاسلامی» در لبنان به چاپ رسیده است.

جلد نخست، علاوه بر مقدمه محقق و مؤلف، در برگیرنده سوره «فاتحه» تا «توبه»، در ۶۴۶ صفحه است. جلد دوم، بدون هیچ گونه مقدمه ای، از سوره «یونس» آغاز و با سوره «ناس» در ۸۶۱ صفحه به انجام رسیده است.

تحقیق جلد دوم، بر پایه چهار نسخه خطی - یعنی همان نسخه های مورد اعتماد جلد نخست - انجام گرفته است؛ جز این که این محقق، نسخه «دارالکتب المصریة» با رقم ۲۴۴۱ ب را به عنوان نسخه اصل در نظر گرفته است. پایان جلد دوم کتاب، حاوی فهرست هایی به شرح زیر است:

فهرست منابع (خطی و چاپی)، جدول اصلاح خطاها و فهرست های عمومی، شامل آیات قرآن، حدیث و اثر، اعلام، جماعت ها و قبایل و فرقه ها، جاها و اماکن، امثال و اقوال، شعر، نصف بیت، مفردات لغت، بت ها، کتاب های نام برده شده در متن، موضوعات و سوره ها.

گذرا به تحقیق جلد نخست، و سپس جلد دوم خواهیم داشت.

آقای «قاسمی» جلد نخست کتاب را به عنوان پایان نامه، و به جهت اخذ مدرک فوق لیسانس در رشته «کتاب و سنت» در دانشکده «شریعت» از دانشگاه «ام القری» مکه، بررسی و تحقیق نموده است؛ که انصافاً تحقیقی جامع به عمل آورده، و به درجه ممتاز نایل گشته است. وی پس از بیان مقدمه ای کوتاه و ارایه فهرستی درباره بررسی و تحقیقی که به عمل آورده، به موارد زیر می پردازد:

**فصل اول: بررسی وضعیت دوران «بلنسی»؛ که شامل چهار بحث می شود:** ۱. اوضاع و احوال سیاسی. ۲. اوضاع اجتماعی. ۳. اوضاع علمی. ۴. چگونگی تأثیر پذیری بلنسی از اوضاع و احوال یاد شده.

**فصل دوم: زندگانی مؤلف؛ که شامل این مباحث است:** ۱. زندگانی اجتماعی. ۲. زندگانی علمی.

**فصل سوم: مبحث اول: تعریف علم مبهمات و بررسی کتاب «بلنسی»؛ که شامل این موارد است:** ۱. تعریف لغوی و اصطلاحی مبهمات. ۲. ریشه علم مبهمات. ۳. اسباب ورود ابهام در قرآن کریم. ۴. راه شناخت مبهمات. ۵. کتاب های تألیف شده درباره مبهمات قرآن. وی صرفاً به تعداد ۱۱ مورد از تألیفاتی که به طور مستقل به این موضوع پرداخته اند، اشاره کرده است.

**مبحث دوم: بررسی کتاب «بلنسی» و انگیزه تألیف؛ که شامل این موارد است:**

۱. انگیزه مؤلف از تألیف کتاب. ۲. روش مؤلف. ۳. منابع و مصادر کتاب. ۴. ارزش علمی کتاب. محقق در این قسمت به ارزش ها و اشکال های وارد بر کتاب اشاره کرده است.

**مبحث سوم: فعالیت محقق در تحقیق کتاب؛ با توجه به گفته خودش که شامل این مباحث است:**

۱. عنوان کتاب.

۲. توثیق کتاب. وی در این زمینه به ارایه دلایل و براهین برای اثبات نسبت این کتاب به «بلنسی» پرداخته است.

۳. توصیف نسخه های خطی. محقق اظهار می دارد به هفت نسخه خطی از این کتاب دست یافته که سه تا از این نسخه ها در مغرب، و سه نسخه در مصر، و یکی نیز در ترکیه است. وی تحقیق خویش را بر مبنای چهار نسخه از آنها قرار داده، و از نسخه های دیگر به جهت خطاها و تصحیف ها و تحریف های فراوان که در آنها وجود داشته، چشم پوشی کرده است. نسخه ای را که در کتابخانه «الأزهر» بوده، به عنوان نسخه اصلی قرار داده، و سه نسخه دیگر را با قرار دادن رموزی بر آنها، به مدد گرفته است. در پایان مقدمه اش نیز تصاویری از نسخه های خطی ارایه کرده است.